

## عنوان مقاله:

شر و مسئولیت اجتماعی: بررسی لوازم ایدئالیسم افالطونی والهیات ایدئالیستی جوسایا رویس

## محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 18، شماره 72 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

## نویسنده:

علی سنایی - دانشیار دانشگاه سمنان - گروه ادیان و عرفان

## خلاصه مقاله:

در این نوشتار با رجوع به برخی از مهمترین آثار افالطون، دیدگاه او را درباره شر تبیین میکنیم. با توجه به اینکه او محسوسات را نمودی ضعیف از حقایق الیتغیر مثل میداند، زمینساز این دیدگاه در سنت نوافالطونی میشود که شر جنبه عدمی دارد. این نگرش از رویکرد واقعگرایانه به حیات فاصله دارد زیرا زندگی موجودات زنده به نحو عام و زندگی انسان به نحو خاص با انواعی از شرور متافیزیکی مواجه است و انسان بهعنوان موجودی صاحب اختیار، دستخوش یا منشا شر اخالقی نیز هست. هرچند بر اساس خوانشی خاص میتوان طرح عالم مثل افالطون را در پرتو مواجهه او با مرگ سقراط و تالش برای فراروی از آن جستجو کرد ولی به خاطر نگرش حاکم بر دنیای باستان که مبتنی بر نظام طبقاتی است، افالطون نیز رویکرد نخبهگرایانه اتخاذ مینماید و بهجای تاکید بر مسئولیتهای فردی به تاسی عوام از فیلسوف بهعنوان الگوی مجرد عقلی و فضایل اخالقی در جامعه اشاره میکند. این در حالی است که در جامعه مدرن که ارزشهای فردی اهمیت مییابد، ارتباط موثقی بین مسئله شر و مسئولیت اجتماعی برقرار میشود. با رجوع به فلسفه جوسایا رویس که او نیز همچون افالطون متفکری ایدئالیست است، میتوان دریافت که ایدئالیسم معاصر در عین نگاه خوشبینانه و کلگرایانه به جهان نمیتواند واقعیت شر را نادیده بگیرد. رویسهم واقعبینانه به رنجهای بشری مینگرد و هم با توجه به مبانی نظری خود بر رویکرد مسؤالنه برای کاهش رنج و زدودن کاستیهای اجتماعی تاکید میکند

## کلمات کلیدی:

جوسایا رویس، وفاداری، افالطون، شر، مسئولیت اجتماعی، الهیات ایدئالیستی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1662812>

